

هدف پژوهش حاضر آزمون این تصور غالب در جامعه‌شناسی بوده است که شهر و روستا به‌منابه قلمروهای محیطی مدرنیسم و سنت‌گرایی تأثیرات متفاوتی بر دینداری اعضای‌شان می‌گذارند. براساس مباحث مربوط به ویژگی‌ها و تمایزهای جامعه‌شناختی شهر و روستا و با طرح استدلال‌های اقامه‌شده در نظریه‌های عرفی شدن در جامعه‌شناسی دین، دو فرضیه استنتاج شد مبنی بر آنکه اولاً، میانگین دینداری در روستا بیش از شهر و ثانیاً، واریانس دینداری در روستا کمتر از شهر است. این فرضیات در قالب یک پژوهش پیمایشی در میان ۲۰۰ خانوار روستایی و ۲۰۰ خانوار شهری در استان اردبیل مورد آزمون تجربی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که تمایز چندانی میان دینداری شهرنشینان با دینداری روستانشینان وجود ندارد و فقط در ابعاد مناسکی، دینداران شهرنشینان، بیشتر از روستائیان است. در مجموع، شواهد محکمی برای تأیید فرضیات تحقیق به‌دست نیامد.

■ واژگان کلیدی:

شهر، روستا، دینداری، عرفی شدن، مدرنیسم، سنت‌گرایی

بررسی تجربی تفاوت دینداری در دو ساختار شهری و روستایی

محمد رضا طالبان

استادیار جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
qtalebani@yahoo.com

سداقت شفیع‌زاده حور

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
shafizadehhor@gmail.com

بیان مسئله

تصور غالب در جامعه‌شناسی به فرهنگ شهری به‌مثابه نماد مدرنیته و مدرنیسم و فرهنگ روستایی به‌عنوان نماد سنت‌گرایی و رسم‌پرستی، این است که روستا نمایانگر تصویری از یک اجتماع محلی کوچک و مومیایی شده یا بسته است که اگر چه مرزبندی طبقاتی سخت و انعطاف‌ناپذیری دارد، اما مردمانش مهربان و صمیمی‌اند و پیوسته و در همه حال به همدیگر کمک می‌کنند. این مردم عشق پرشوری به کشاورزی زارعی دارند. خانواده در این اجتماع، هم واحد تولید و هم واحد مصرف است و به‌لحاظ حاکمیت، اصول مناسبات پدرسالاری از انسجام و همبستگی زیادی برخوردار است و بی‌هنجاری و آسیب‌های اجتماعی در این اجتماع کمتر به چشم می‌خورد (زاهدی، ۱۳۸۰) و در این‌گونه جوامع تقدیرگرایی رواج دارد و مذهب به‌عنوان فصل‌الخطاب تفکر و تفسیر حیات می‌باشد. (صاحبی، ۱۳۸۲: ۲۷۷) اما در فرآیند مدرنیته که با آغاز انقلاب صنعتی، وابستگی متقابل در روابط اقتصادی جهانی و انقلاب ارتباطات به‌وقوع پیوسته است، از طریق مکانیسم جامعه‌ی شدن، روابط چهره به چهره و بستگی‌های وفادارانه شخصی موجود در اجتماعات کوچک روستایی تا حد زیادی از بین رفته و شهرهایی به‌وجود می‌آیند که ویژگی اصلی‌شان روابط غیرمستقیم و تماس‌های محدود مردم در قالب نقش‌های اجتماعی خاص است. این تحولات فی‌نفسه در اثر حاکمیت عقلانی شدن و دنیایی شدن در شیوه زندگی شهری، تأثیری سکولارکننده دارند؛ چرا که در مناطق شهری کنترل اجتماعی شدید مبتنی بر دین و سنت، برخلاف مناطق روستایی وجود ندارد. به‌عبارتی، دین که به‌طور سنتی مبتنی بر دوستی‌های معمولی و بستگی‌های وفادارانه بین مردم است، در مناطق شهری به موضوعی خصوصی بدل می‌شود و عرصه اعتبار و مدخلیت دینی به‌عنوان رهنمون‌ها و جهان‌بینی‌های اخلاقی به حوزه خصوصی و ترجیحات آسایش‌بخش محدود می‌گردد (فورشت و رپستاد، ۱۳۹۴: ۲۶۸) و منجر به عرفی شدن روزافزون جامعه می‌شود که نتایجی مانند تقدس‌زدایی، حاشیه‌ای شدن مذهب، رمزدایی از اعتقادات، تقلیل پایبندی به نهادهای مذهبی و شخصی‌شدن امر دینی را در پی دارد. چنین تحولاتی در عرصه دینداری افراد، جوامع شهری را از جوامع روستایی متمایز می‌کند. دیوید لیتل^۱ در این خصوص مدعی است که مدرنیسم بی‌معنای انحطاط تدریجی و نهایتاً محو دین از زندگی عمومی در مناطق شهری - که به‌شدت تحت تأثیر تحولات آن

هست - می‌شود. (غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۵: ۲۸۷-۲۸۵) همچنین دانیل لرنر که از پیشکسوتان نظریه نوسازی است، رشد مراکز شهری جدید در جهان سوم را به‌عنوان عامل ترقی و تقویت‌کننده احساس فردگرایی به‌عنوان خصلت ویژه محیط شهری و تضعیف‌کننده سنت‌گرایی می‌داند. (غفاری و ابراهیمی‌لویه، ۱۳۸۵: ۲۷۷) به‌عبارتی بدبینی و بی‌اعتنایی مدرنتیبه به ارزش‌های جمع‌گرایانه نظیر «عدالت»، «تعاون» و «اخلاق» و در مقابل بذل‌اهتمام شایان به مقولاتی چون «آزادی» و «رقابت» و «لذت» و مهم‌تر از آن، تشدید و ترویج تقابل میان اینها و آنها شاخصه مبینی است در کشف صبغه فردگرایی خودخواهانه از مدرنیته (شجاعی‌زند ۱۳۹۴: ۳۷۴)، که فرد در محوری به‌نام آفریننده قرار می‌گیرد و جهان‌بینی‌هایی که موجود انسان را به‌عنوان مخلوق خداوند و تحت نیروهای ورای قدرت انسانی می‌بیند، به حاشیه رانده می‌شود. (فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۲۶۹)

به‌طور کلی می‌توان گفت که از دیدگاه جامعه‌شناسانه یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر وضعیت دینداری افراد جایگاه آنان در ساختار جامعه است. با توجه به تفاوت بین محل سکونت شهری و روستایی، به‌خصوص در کشورهای جهان سوم، به‌لحاظ وجود شاخص‌ها و ویژگی‌هایی مانند روابط قوی بین ساکنین و برخورد چهره‌به‌چهره، پایین بودن تمایز اجتماعی و اختلاف طبقاتی، پایین بودن سطح سواد و آگاهی‌ها، غلبه مشاغل کشاورزی، شدت کمتر تحرک فضایی و اجتماعی در روستا و وجود ویژگی‌هایی چون غلبه مشاغل صنعتی و خدماتی، روابط ضعیف بین افراد، تمایز طبقاتی بالا و بالا بودن سطح سواد و آگاهی در شهر، تصور غالب در میان جامعه‌شناسان بر این است که دین در روستا با کلیت زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... روستائیان درآمیخته و همچنین در روستا باورهای مذهبی به نسبت شهر، بسیار پراهمیت‌تر و برجسته‌تر است و در تمامی ابعاد زندگی روستائیان تأثیرگذار می‌باشد.

با وجود این، کلیه پژوهش‌ها در خصوص وضعیت دینداری ایرانیان در شهرها و به‌ویژه در شهرهای بزرگ و تهران صورت‌گرفته و به‌نظر می‌رسد پژوهشی جمعیت‌تحقیق خود را به روستا اختصاص نداده است. ما در این پژوهش قصد داریم برای اولین بار به انکشاف وضعیت دینداری مردم در روستا پرداخته و وضعیت دینداری شهر و روستا را با هم مقایسه کنیم و برای پرسش زیر پاسخ علمی فراهم نماییم:

وضعیت دینداری افراد در روستا و شهر از لحاظ پایبندی به اعتقادات و اصول دینی،

اهتمام و عمل به مناسک و آیین‌های دینی چه تفاوتی باهم دارد؟

ضرورت تحقیق

در تقابل سنت و مدرنیته، دین به دو گونه کنش‌پذیر و کنش‌گر ظاهر می‌شود که در حالت کنش‌پذیر، دین و همچنین نهادهای دینی و دینداری تحت تأثیر تحولات سکولارکننده مدرنیته قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال مسجد به مکان توریستی تبدیل می‌شود و یا عزاداری‌ها به عناصری نمادین جهت عرضه خارجی و فاقد محتوای سنتی دینی می‌شود. اما در مورد نقش کنش‌گری دین و تقابل و مبارزه آن با جنبه‌های سکولارکننده مدرنیته، می‌توان مشخصاً انقلاب اسلامی ایران را مطرح کرد که در مقایسه با انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) و روسیه (۱۹۱۷) نه‌علیه سنت، بلکه با قرائتی جدید از دین علیه مدرنیته بود (صاحبی، ۱۳۸۲: ۲۸۰-۲۷۷) که حول یک‌سری ارزش‌ها و ایده‌ها و آرمان‌های اسلامی و با تلاش فراگیر و همه‌جانبه و گسترده مردم علیه سیاست‌های ضد اسلامی و مستبدانه رژیم پهلوی صورت گرفت که نهایتاً نظام جمهوری اسلامی را به‌ارمغان آورد.

از سویی دیگر، مطابق آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران، جمعیت روستاهای ایران در سال ۱۳۹۰ معادل با ۲۹ درصد جمعیت کل کشور بوده است.^۱ این جمعیت به‌ندرت مورد مطالعه دانش پژوهان علوم اجتماعی قرار گرفته است و به همین جهت، حوزه مطالعاتی در خصوص وضعیت دینداری روستائیان، حوزه‌ای بکر و ناشناخته‌ای است. از این‌رو، پژوهش در خصوص وضعیت دینداری افراد با توجه به دو نوع شیوه زندگی شهری و روستایی، در عصری که عصر انفجار اطلاعاتی نامیده می‌شود، ضروری و حائز اهمیت است. بر این مبنا سؤال اصلی تحقیق این است که وضعیت دینداری افراد در روستا و شهر چه تفاوتی با هم دارد؟ به عبارت فنی‌تر، عضویت در دو ساختار اجتماعی شهر و روستا چه نتایجی در دینداری افراد دارد؟

با توجه به ابعاد مختلف دینداری، سؤال فوق‌الذکر را می‌توان به چند سؤال زیر تجزیه نمود:

اعتقادات دینی در شهر و روستا چه تفاوتی با هم دارند؟

مناسک دینی در شهر و روستا چه تفاوتی با هم دارند؟

تجربه دینی در شهر و روستا چه تفاوتی با هم دارند؟

پیامدهای دینداری در شهر و روستا چه تفاوتی با هم دارند؟

۱. سایت ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۰

پیشینه نظری

مارکس معتقد است که براساس تقسیم کار اجتماعی، جدایی شهر از روستا و تضاد میان منافع آنها نمایان می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۰ و فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۷۰) و نیروی دین‌زدای واقعی جامعه جدید، سرمایه‌داری و بورژوازی است که «آسمانی‌ترین شور و جذبه‌های اشتیاق دینی را در آب‌های یخ‌زده حسابگری خودمدارانه غرق کرده است. (الیاده، ۱۳۷۵: ۳۲۷) دور کیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی، براساس معیار همبستگی اجتماعی دو نوع جوامع را از یکدیگر تفکیک می‌کند: جوامع با همبستگی مکانیکی و جوامع با همبستگی ارگانیکی. همبستگی مکانیکی ویژگی یا ساز و کار اساسی یگانگی اجتماعی جوامع روستایی سنتی و کوچک است که در آن، شباهت‌ها بیشتر از تفاوت‌ها است و یک اعتقاد مذهبی مشترک و مستحکم حکم‌فرماست. به عبارتی، در جوامع با همبستگی مکانیکی، دین بنیاد اصلی روح جمعی جامعه را تشکیل می‌دهد که به اعضای جامعه شیوه نگریستن و هویت مشترک اعطا می‌کند. (کینکلک، ۱۳۹۳: ۱۰۱ و افروغ، ۱۳۷۷: ۱۱۱) همبستگی ارگانیکی، مشخصه جوامع صنعتی یا پیشرفته است که برخلاف جوامع ساده دارای حوزه‌های بزرگ با کارکردهای متمایز است و همین تمایزات و تخصصی‌شدن و تقسیم کار پیچیده غیرمشابه و روابط قراردادی باعث شکل‌گیری و تقویت شخصیت‌های فردی می‌شود. (کینکلک، ۱۳۹۳: ۱۰۱ و کسلر، ۱۳۹۴: ۱۳۵) به عبارت دیگر برای دور کیم محیط شهری و فرایندهای شهرنشینی در قالب مفهوم تغییر اجتماعی متبلور می‌شود و شدت گرفتن فرایند تغییرات اجتماعی و عدم توانایی افراد در انطباق با تغییرات، منجر به خروج از دایره وجدان جمعی و از دست دادن پیوندها و همبستگی‌های خانوادگی، مذهبی، بومی و محلی می‌شود و دین محکوم به این است که سهم هر چه کمتری در زندگی جدید داشته باشد و مذهب در جوامع مدرن به صورت انسان‌گرایی سکولاریستی خود را نشان می‌دهد. (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۷۸ و الیاده، ۱۳۷۵: ۳۵۶)

چارلز کولی جوامع بشری را با مقسم قرار دادن «نوع روابط» به دو نوع کلی تقسیم می‌نماید: جامعه مبتنی بر روابط اولیه یا نخستین که در آن روابط بین افراد روابطی نزدیک، صمیمانه، چهره‌به‌چهره و عاطفی است. این‌گونه جوامع در جهت پیدایش حس همیاری و همکاری در بشر بهترین زمینه‌ی کلی را فراهم می‌کنند (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۱۲) و همچنین برای دستیابی به بیشترین نفع همگانی، تمایلات فردگرایانه‌شان را به حداقل می‌رسانند و با حلقه‌های هم‌دردی و محبت با هم‌نوعان‌شان پیوندی پایدار

برقرار می‌سازند. (کوزر، ۱۳۷۷: ۴۱۳) به‌طور کلی، جامعه‌شناسان معتقدند که در جوامع روستایی، روابط افراد بیشتر از نوع روابط نخستین است. اما رشد و توسعه شهرهای بزرگ با از بین رفتن روابط صمیمی و چهره‌به‌چهره در اجتماعات بزرگ و توسعه روزافزون روابط ثانوی ملازمت داشته است که در نتیجه تحرک و تغییر الگوهای روابط بین افراد، روابط اولیه یا نخستین ضعیف شده است (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۳۳) و بدین ترتیب نوع دوم جامعه، یعنی جامعه مبتنی بر روابط ثانویه شکل می‌گیرد که میان افراد، روابطی خشک، رسمی و حساب شده حاکم می‌گردد. روابط در این‌گونه جوامع نه تابع عواطف گرم، بلکه بیشتر در ارتباط با قرارداد است.

تونیس نیز در سنخ‌شناسی خود از جوامع بشری، دو نوع جامعه را از یکدیگر متمایز می‌کند: گمین شافت در مقابل گزل شافت. گمین شافت معرف یک جامعه سنتی کوچک و باثبات و اشتراکی بر مبنای روابط خانوادگی بسته، هنجارهای نوع دوستی، درک متقابل، حمایت و پیوندهای اجتماعی ناشی از نوع روابط خونی و خویشاوندی، محلّی‌گرایی و زبان و اعتقادات و مذهب مشترک است. از سوی دیگر، گزل شافت معرف جامعه صنعتی مدرن، مبنی بر روابط اقتصادی غیرشخصی و خودساخته، هنجارهای فایده‌گرایانه اقتصادی و حسابگری مادی و نفع شخصی، اختلاف و تضاد بین سرمایه و نیروی کار، مصرف‌گرایی و پیوندهای مبتنی بر طبقه اجتماعی و مبادله قراردادی اقتصادی است. (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۱۰ و کینکلاک، ۱۳۹۳: ۱۰۷) در این‌گونه جوامع تعهدات درازمدت نسبت به گروه و اتفاق نظر در مورد ارزش‌ها بسیار اندک است و بیشتر افراد «غریبه‌هایی» هستند که تصور می‌شود که با اکثر مردم تفاهم زیادی ندارند. (کندال، ۱۳۹۳: ۴۱۳) این سنخ‌شناسی دقیقاً با مراحل سه‌گانه کنت، سنخ‌شناسی دومقوله‌ای صنعتی - نظامی اسپنسر و اشکال دوگانه انسجام اجتماعی دورکیم هم‌راستا است. (کینکلاک، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

دیفیلد در نظریه تمدنی خود از دو سنت تمدنی سخن گفته است: نخست جماعت‌های کوچک به‌صورتی که می‌توان آن را در دین، هنر و فرهنگ عامه، یعنی مبتنی بر دانش موروثی نیاکان و عمدتاً در روستاها مشاهده کرد و سپس یک سنت بزرگ به‌صورتی که می‌توان آن را در نزد نخبگان و نظام‌های فکری شامل فلسفه، علوم و هنرهای مبتنی بر فرایندهای نوآورانه شهری دید. تمدن شهری به عقیده ردیفیلد به سنت شهری تعلق دارد و تمدن روستایی به سنت کوچک. دیدگاه ردیفیلد در نظریه تمدنی کاملاً تطوری است؛ زیرا که معتقد است حرکتی پیوسته و پیش‌رونده جماعت‌های اولیه را به روستا، روستاها را به شهرهای کوچک و شهرهای کوچک را به شهرهای بزرگ تبدیل کرد. (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

پیشینه تجربی

پژوهش درباره وضعیت دینداری به‌ویژه در مناطق روستایی با توجه به حساسیت‌هایی که افراد نسبت به مقوله دینداری نشان می‌دهند، بسیار دشوار بوده و پژوهشگران با محدودیت‌های نمونه‌گیری، دسترسی به نمونه‌ها، پاسخ‌های محافظه‌کارانه روستائیان به علت ترس از اینکه مبادا این تحقیقات برای‌شان نتایج سوئی داشته باشد یا بی‌اعتمادی پاسخگویان به محققان و... مواجه‌اند. به همین دلایل، اکثریت قریب به اتفاق پیمایش‌های انجام‌گرفته در خصوص دینداری ایرانیان در مناطق شهری و به‌ویژه کلان‌شهرها و با جمعیت آماری اغلب جوانان و دانشگاهیان صورت پذیرفته است. بنابراین در ادبیات پژوهشی مربوط به سنجش دینداری ایرانیان به‌ندرت می‌توان تحقیقی را یافت که جمعیت آماری خود را مشخصاً به روستا اختصاص داده، یا شهر و روستا را به‌لحاظ دینداری با هم مقایسه کرده باشد. با وجود این، ضروری است به چند مورد از پژوهش‌هایی که به سنجش وضعیت دینداری ایرانیان پرداخته‌اند، اشاره کنیم.

شاید تنها پژوهش بعد از انقلاب اسلامی که توانسته است وضعیت دینداری شهر و روستا را با یکدیگر مقایسه نماید «پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان» (طالبان، ۱۳۹۳) باشد. جمعیت تحقیق این مطالعه ملی تمامی افراد ۱۸ سال به بالای خانوارهای معمولی شهری و روستایی ساکن در ۳۰ استان کشور بوده است. نتایج این مقایسه در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: متوسط دینداری براساس مقایسه شهر با روستا

معناداری تفاوت	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه		
۰/۰۶	۱/۸۱	۱۹/۶۸	۲۶۶۱	شهر	بعد اعتقادی بین صفر تا بیست
	۱/۱۸	۱۹/۸۰	۹۳۵	روستا	
۰/۰۱	۳/۱۴	۱۴/۸۱	۲۸۳۲	شهر	بعد عاطفی بین صفر تا بیست
	۲/۸۹	۱۴/۵۲	۱۰۰۱	روستا	
۰/۱۱	۳/۸۶	۱۲/۷۹	۲۸۳۹	شهر	بعد عبادت فردی بین صفر تا بیست
	۳/۵۵	۱۲/۵۷	۱۰۰۳	روستا	
۰/۰۰۶	۴/۱۵	۱۱/۳۱	۲۸۳۴	شهر	بعد عبادت جمعی بین صفر تا بیست
	۳/۸۹	۱۰/۹۰	۹۹۱	روستا	
۰/۰۵	۲/۳۲	۱۵/۳۳	۲۴۱۲	شهر	دینداری کل بین صفر تا بیست
	۱/۹۲	۱۵/۱۶	۸۹۳	روستا	

۱. البته مقایسه شهر و روستا جزء این طرح ملی نبوده و در اثر طالبان (۱۳۹۳) نیامده و صرفاً برای تحقیق حاضر، این نتایج مقایسه‌ای محاسبه شده است.

یافته‌های مندرج در جدول ۱ که حاصل پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان (طالبان، ۱۳۹۳) است دلالت بر نتایج زیر دارند:

بین نوع سکونت شهری و روستایی با بعد اعتقادی دینداری رابطه معناداری ($p < 0/05$) وجود ندارد.

بین نوع سکونت شهری و روستایی با بعد عبادات فردی رابطه معناداری ($p < 0/05$) وجود ندارد.

به عبارت دیگر، سبک زندگی شهری و روستایی تفاوت مهمی را در بعد اعتقادات دینی و عبادات فردی افراد نشان نداده است. اما بین نوع سکونت شهری و روستایی با بعد عاطفی دینداری و بعد عبادات جمعی دینداری رابطه معناداری مشاهده شده است. بدین معنا که نوع سکونت یا سبک زندگی شهری و روستایی تأثیر متفاوتی بر بعد عاطفی و عبادات جمعی دینداری داشته است. همچنین، این داده‌ها دلالت بر رابطه معنادار بین نوع سکونت شهری و روستایی با دینداری کل بوده است.

در پژوهشی با عنوان بررسی تفاوت‌های بین نسلی به لحاظ وضعیت دینداری در سکونت‌گاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان کارده) از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی (عنابستانی و احمدزاده، ۱۳۹۲) تلاش شده تا تفاوت بین نسل‌های مختلف از نظر دینداری و ارزش‌های دینی در نواحی روستایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مطالعه تحلیلی و مقایسه‌ای است. که بخش عمده‌ای از داده‌های آن براساس مطالعات پیمایشی از سطح منطقه جمع‌آوری شده است. جمعیت تحقیق ۱۱۵۴ خانوار بوده که با روش کوکران ۲۱۹ خانوار به عنوان نمونه تحقیق تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که از حیث دینداری، بین نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد. کمترین تفاوت‌ها در بعد اعتقادی و بیشترین تفاوت‌ها در بعد پیامدی و رفتاری به خصوص بین نسل جوان و بزرگسال مشاهده شده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین حجم جمعیت روستا با میزان تفاوت‌های نسلی در حوزه دینداری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد، یعنی میزان جمعیت روستا تأثیری بر افزایش یا کاهش تفاوت‌های نسلی در حوزه دینداری نداشته است. اما میان فاصله روستا تا مرکز دهستان و فاصله روستا از شهر مشهد با میزان تفاوت‌های نسلی در حوزه دینداری رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شده است. بدین معنا که با افزایش فاصله روستا از مرکز دهستان و شهر مشهد تفاوت‌های

نسلی در حوزه دینداری افزایش می‌یابد و میزان دینداری کاهش می‌یابد. (عنابستانی و احمدزاده، ۱۳۹۲)

اسدی و همکارانش در سال ۱۳۵۳ در بخشی از گزارش و تحلیل‌های خود تحت عنوان رفتارها و گرایش‌های مذهبی، از داده‌های پیمایشی طرح «شناخت رفتارها و نگرش‌های اجتماعی و گرایش‌های فکری فعلی و آینده جامعه ایران» که شامل ۲۴ منطقه شهری و ۵۲ منطقه روستایی سراسر کشور بود، وضعیت دینداری افراد را با توجه به نوع سکونت شهری و روستایی مقایسه کرده‌اند. در این تحقیق رفتارهای مذهبی نماز خواندن، روزه گرفتن، دادن خمس و زکات، امر به معروف و نهی از منکر و رفتن به مسجد، همراه با نظر پاسخگویان در مورد روند تغییرات وضعیت مذهبی در آینده ایران و نگرش افراد در مورد انسان ثوابکار و گناهکار مورد مطالعه قرار گرفته که نتایج آن به شرح زیر است:

فریضه نماز را روستاییان بیشتر از شهرنشینان انجام می‌دهند. روزه گرفتن در مقایسه با نماز عمومیت کمتری دارد و این فریضه مانند نماز، اما با اختلاف بیشتری، نسبت روزه‌گیران در شهرها کمتر از روستاها است.

با توجه به اینکه سطح درآمد روستاها نسبت به مناطق شهری پایین‌تر است، داده‌های این پژوهش شاهی برای مدعا است که روستانشینان نسبت به شهرنشینان اهمیت کمتری به پرداخت خمس و زکات می‌دهند.

اهمیت امر به معروف در میان رفتارهای افراد از نماز و روزه کمتر، اما از پرداخت خمس و زکات بیشتر است. نسبت کل کسانی که به این کار مبادرت می‌ورزند حدود ۵۴٪ است و به مانند نماز و روزه شدت گرایش به رفتار در روستاها بیشتر از شهرها است. در فریضه دینی «رفتن به مسجد» تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شهر و روستا وجود داشته به نحوی که نسبت کسانی که در شهر به مسجد می‌روند ۵۹٪ و در روستا ۸۰٪ بوده است.

طرز تلقی از مذهب و گرایش به رفتارهای مذهبی در گذشته و حال و همچنین روند این گرایش در آینده از جمله مواردی است که مورد مطالعه اسدی و همکارانش قرار گرفته است. نتایج نشان داده است نسبت افرادی که اظهار داشته‌اند توجه به امور مذهبی دینی در حال حاضر فرقی با گذشته ندارد، بسیار ناچیز است؛ و اعتقاد رایج بر این بود که میزان توجه به امور دینی در سابق بیشتر بوده است. همچنین در این

پژوهش چگونگی روابط دو مفهوم انسان ثوابکار و انسان گناهکار با مفاهیم این دنیا و دنیای آخرت و یا در ارتباط مستقیم تر با خدا، با دو سؤال متفاوت: به نظر شما آدم گناهکار و ثوابکار کیست؟ مورد آزمون قرار گرفت که بیش از ۶۵٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که رفتارهای ثوابکارانه و گناهکارانه جنبه دنیایی دارد و در مجموع گناهکاری نسبت به ثوابکاری تصویری این جهانی دارد. اما نکته قابل توجه این است که درصد پاسخ روستانشینانی (۷۲٪) که معتقدند ثوابکاری و گناهکاری دلایل اجتماعی و غیرمذهبی دارد و جنبه این جهانی دارد و در ارتباط با خلق است، نسبت به پاسخ شهرنشینان (۶۳٪) بیشتر است و این برخلاف تصور غالب است که روستانشینان را نسبت به شهرنشینان غرق در اعتقادات ماوراء الطبیعی و مسائل مرتبط با دنیای آخرت می‌دانند. (اسدی و همکاران، ۱۳۵۳: ۱۹۴-۱۷۱)

ویژگی‌های عمومی جامعه روستایی (سنتی) و شهری (صنعتی)

جوامع جدید با سبک زندگی شهری به‌مثابه شیوه‌ای از زیستن در تقابل با شیوه زندگی روستایی تعریف شده است. این تقابل، صرفاً جنبه اقتصادی ندارد و بیشتر جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد. در جامعه روستایی، مردم نیازمند فرهنگ عمومی مشترک بوده تا بتوانند کلیت و هویت خود را اثبات کنند، ضمن آنکه امروزه شهر به‌عنوان نماد مرکز و روستا نماد حومه تلقی می‌شود. (رسولی، ۱۳۸۹: ۳۱) با توجه به مطالب و توضیحاتی که صاحب‌نظران در مورد ویژگی‌های نوع سکونت شهری و روستای و تمایزات بین این دو گفته‌اند (رک به: کیویستو، ۱۳۷۸؛ زاهدی، ۱۳۸۰ و کینکلک، ۱۳۹۳) می‌توان ویژگی‌های متمایز هر یک از دو شیوه زندگی شهری و روستایی را به‌صورت زیر خلاصه کرد.

جدول ۲: تمایزهای جامعه‌شناختی شهر با روستا

مؤلفه‌ها	روستا (جامعه سنتی)	شهر (جامعه مدرن)
منابع معیشت	منابع محدود و اغلب زراعت، دامداری، باغداری	منابع متنوع و متنوع، اغلب صنعت و خدمات
تملك	اشتراکی	فردی
الگوی مصرف	قناعت‌پیشگی، در حد نیازهای اولیه و محدود	رواج تجمل‌گرایی و اسراف
سطح سواد	کمتر و اغلب بی‌سواد	بیشتر

مؤلفه‌ها	روستا (جامعه سنتی)	شهر (جامعه مدرن)
امکان تحصیل	عدم وجود مراکز دانشگاهی، رشته‌های محدود و محدود در دبیرستان و محدودیت در انتخاب رشته	وجود مراکز دانشگاهی، تعدد رشته‌ها و خدمات تحصیلی
فضای کار و فراغت	تجانس و یکی بودن فضای کار و فراغت	جدایی فضای کار و فراغت
هویت	جمعی و گروهی، قوی بودن انگیزه همنوایی و هم‌رنگی با اجتماع محلی	هویت فردی، قوی بودن انگیزه فردگرایی و متمایز بودن
نوع کنش	کنش عاطفی و غیرعقلانی	کنش عقلانی
تحرک اجتماعی	کمتر	بیشتر
زمان اجتماعی	کُند و درازمدت	سریع و شتاب‌زده
ازدواج	زودتر از شهر، اغلب درون گروهی	دیرتر و اغلب برون گروهی
نوع خانواده	اغلب خانواده گسترده	خانواده هسته‌ای
پایگاه اجتماعی	همسان در موقعیت‌ها و شرایط مختلف	ناهمسان در موقعیت‌ها و شرایط مختلف
نوع نگرش	محلی‌گرایانه، بی‌اعتنایی به وقایع و رخداد‌های خارج از روستا	جهان‌گرایانه، علاقه‌مندی به آگاهی از تحولات جهانی و رویدادهای جوامع دیگر
ظرفیت تغییر	محافظه‌کاری، وابستگی به سنت‌ها و مقابله با تغییرات	ریسک‌پذیری، نوپذیری، استقبال از تجدید
حدود تغییرات	سطحی و کُند	دگرگونی زیاد
روابط	خانوادگی، بسته، مبتنی بر غریزه	اقتصادی، غیرشخصی، مبتنی بر قرارداد
پیوندها	خون، مکان و ذهن مشترک	مبادله و قرارداد اجتماعی
عواطف	حمایت و کمک متقابل، برابری‌گرایی و مساوات‌طلبی	رقابت اقتصادی، سرآمدگرایی و رقابت‌جویی
هنجارها	عشق، درک، سازماندهی	ارزش اقتصادی، کار، مصرف
انسجام و همبستگی	انسجام بالاتر (همبستگی مکانیکی)	انسجام پایین‌تر (همبستگی ارگانیکی)

چارچوب نظری

در جمع‌بندی مباحثی که تاکنون مطرح شد، می‌توان گفت که روستا نماد سنت و اجتماع محلی بسته و کوچکی است که افراد بر مبنای روابط خانوادگی، هنجارهای نوع‌دوستی، درک متقابل، حمایت و پیوندهای اجتماعی ناشی از نوع روابط خونی و خویشاوندی،

محلی‌گرایی و زبان و اعتقادات و مذهب مشترک، روابط نزدیک، صمیمانه و چهره‌به‌چهره دارند که برای دستیابی به بیشترین نفع همگانی، تمایلات فردگرایانه‌شان را به حداقل می‌رسانند. در این‌گونه جوامع، دین فصل‌الخطاب تفکر و تفسیر حیات است که با کلیت زندگی اجتماعی روستاییان درآمیخته است. به‌عبارتی دین بنیاد اصلی روح جمعی جامعه روستایی را تشکیل می‌دهد که به اعضای این نوع جوامع، شیوه نگرستن و هویت مشترک می‌بخشد. بنابراین، انتظار می‌رود تا در جوامع روستایی تشابهات افراد با یکدیگر بیشتر از تفاوت‌های‌شان باشد و در نتیجه، واریانس کمتری در ویژگی‌های کیفی زندگی‌شان مشاهده شود.

اما در شهرهای جدید به‌عنوان جوامع مدرن، عمدتاً روابط ثانویه خشک، رسمی و خالی از عاطفه جایگزین روابط صمیمی و چهره‌به‌چهره شده است. این‌گونه جوامع مبتنی بر تنوع و تغییرپذیری، تخصص‌گرایی و الگویی پیچیده از تفکیک ساختاری، هنجارهای فایده‌گرایانه و حسابگری مادی و نفع شخصی، انزوا و بی‌سازمانی اجتماعی، اختلاف و تضاد بین سرمایه و کار، مصرف‌گرایی و پیوندهای مبتنی بر طبقه اجتماعی و مبادله قراردادی مشخص شده‌اند که با عقلانیت ابزاری و دنیاگرایی ملازمت دارند. بنابراین انتظار آن است که در جوامع شهری پراکندگی یا واریانس بیشتری در ویژگی‌های کیفی زندگی مشاهده شود و تمایزات افراد بیشتر از تشابهات‌شان باشد. همه این استدلال‌های نظری را می‌توان در قالب فرضیات زیر فرموله نمود و به محک آزمون تجربی زد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. دینداری افراد در جوامع روستایی بیشتر از جوامع شهری است.
۲. واریانس دینداری در جوامع روستایی کمتر از جوامع شهری است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌افتضای موضوع که به سنجش وضعیت دینداری در بین افراد می‌پردازد از روش پیمایشی استفاده نموده است که به‌عنوان شیوه‌ای برای کشف و شناسایی ویژگی‌های پدیده‌ها و چگونگی توزیع این ویژگی‌ها و نیز بررسی روابط بین متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پژوهش از نظر نوع یک بررسی توصیفی با مقایسه شهر و روستا، از نظر دامنه تحقیق، پهنانگر و به‌لحاظ طرح تحقیق یک مطالعه مقطعی می‌باشد.

جمعیت و نمونه تحقیق

جمعیت تحقیق حاضر شامل شهر اردبیل و دهستان حور واقع در شهرستان نمین از استان اردبیل است. بنابر سرشماری ای که پایان سال ۱۳۹۴ در روستاها انجام شده، جمعیت دهستان حور با ۸۰۷ خانوار معادل با ۳۲۲۰ نفر برآورد گردیده است.^۱ دهستان حور مرکز روستاهای همجوار می باشد که به لحاظ جمعیتی می تواند نمونه ای معرف از روستاهای منطقه باشد. شهر اردبیل نیز چون مرکز استان بوده و عمده تحولات شهری عمدتاً در مراکز صورت می گیرد، می تواند نمونه معرف برای سایر شهرها و شهرستان های استان باشد. همچنین طبق داده های آماری سرشماری سال ۱۳۹۰ بیش از دوسوم جمعیت شهرستان اردبیل شهرنشین و بیش از دوسوم جمعیت شهرستان نمین نیز روستانشین بوده اند. بنابراین، جمعیت تحقیق به لحاظ مقایسه نوع سکونت شهری و روستایی متناسب با اهداف تحقیق می باشد.^۲

برای رسیدن به عنصر نمونه گیری از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده گردید. در این راستا، واحد تحلیل خانوار و واحد مشاهده افراد مدنظر قرار گرفته است. توضیح آنکه، از آنجا که شهر اردبیل به لحاظ مؤلفه های اجتماعی - اقتصادی به چهار منطقه شهری تقسیم شده بود، جهت پوشش کامل جمعیت، هر چهار منطقه مطمح نظر قرار گرفت. سپس از هر منطقه به طور تصادفی دو بلوک مسکونی انتخاب شد و با در نظر گرفتن و کنترل گروه های سنی و نسبت جنسی، براساس نمونه گیری تصادفی از هر بلوک، ۲۵ خانوار به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردید.

در روستا نیز چون به لحاظ پایگاه اجتماعی - اقتصادی منطقه بندی خاصی صورت نگرفته، جهت پوشش کامل جمعیت، کل مناطق مسکونی روستا به لحاظ جغرافیایی به چهار قسمت تقسیم شد و از هر منطقه ۵۰ خانوار به صورت تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. بدین صورت تعداد نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر برآورد گردید که ۲۰۰ نفر از شهر و ۲۰۰ نفر از روستا به صورت تصادفی انتخاب گردیدند.

پژوهش در شهر توسط ۸ پرسشگر و در روستا توسط ۷ پرسشگر اجرا گردید. در واقع، پرسشگران آموزش دیده با اطلاعات معین شده در ارتباط با تعداد افراد مربوط به هر یک از

۱. مرکز خانه بهداشت روستای حور، ۱۳۹۴

۲. دفتر آمار و اطلاعات استانداری اردبیل، ۱۳۹۱

گروه‌های سنی^۱ به تفکیک جنس با مراجعه به درب منزل خانوارهایی که به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند، اطلاعات و داده‌های تحقیق را جمع‌آوری نمودند.

مفهوم‌سازی دینداری

دینداری یا تدین صفت انسان است و زمانی صورت می‌گیرد که گروهی از افراد به تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی التزام داشته باشند (طالبان، ۱۳۹۲: ۱۴۹) که دارای مرتبه‌های مختلفی است و بروز و تجلی آن به‌صورت نسبی و بین دو حد یا وضعیت بیشینه و کمینه قرار می‌گیرد. (میرسندسی، ۱۳۹۴: ۸۳) در واقع، دینداری یعنی داشتن «اهتمام دینی» به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین از سوئی خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت از دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران باز شناخت. یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری از پیامد دینداری او. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴) به‌عبارت دیگر، دینداری، التزام فرد به دین مورد قبول خویش است و این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او سامان می‌پذیرد. بنابراین، میزان دینداری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی به اعتقادات و مناسک دینی. (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹)

برای سنجش دینداری از مدل گلاک و استارک استفاده شده که پرکاربردترین سنجه در پژوهش‌های دینداری جامعه‌شناسان بوده است. (سراج‌زاده، ۱۳۸۳) براساس مدل گلاک و استارک، چهار بعد دینداری به‌شرح زیر مورد سنجش قرار گرفت:

بعد اعتقادی یا باورهای دینی: عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند.

بعد مناسکی یا اعمال دینی: شامل رفتارهای مذهبی مشخصی همچون خواندن نماز، روزه گرفتن و شرکت در آیین‌های مذهبی خاص و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به‌جا آورد.

۱. دامنه سنی پاسخگویان در ۵ گروه سنی از ۱۸ سال تا ۵۰ سال به بالا تعیین شده است که اطلاعات مربوطه در جدول ۵ آمده است.

بعد تجربی با عواطف دینی: این بعد دینداری ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن ارتباط با جوهر ربوبی همچون خداوند یا واقعیت غایی یا اقتداری متعالی است. بعد پیامدی^۱ یا آثار دینی: این بعد ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۶۵)

ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه تدوین شده مشتمل بر ۴۷ سؤال و گویه بود که ۸ سؤال مربوط به مشخصات فردی و زمینه‌ای پاسخگویان و ۳۹ سؤال دیگر سنجه دینداری را تشکیل می‌داد. برای توصیف داده‌ها از جداول فراوانی، نسبت‌ها، میانگین و انحراف معیار و برای آزمون فرضیات تحقیق نیز از آزمون تی (t-test) استفاده گردید.

۸۷

اعتبار و پایایی سنجه دینداری

برای تحلیل پایایی ابزار سنجش دینداری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول زیر پایایی گویه‌های پرسشنامه در ابعاد مختلف دینداری را نشان می‌دهد:

جدول ۳: آزمون پایایی مقیاس‌های سنجه دینداری (n=۴۰۰)

ابعاد دینداری	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا	تعداد گویه‌های حذف شده	مقدار آلفا پس از حذف گویه‌ها
بعد اعتقادی	۸	۰/۸۰	-	-
بعد مناسکی	۱۲	۰/۸۷	-	-
بعد تجربی	۸	۰/۷۲	۱	۰/۷۴
بعد پیامدی	۱۱	۰/۷۵	-	-

نتایج نشان داد که تنها یک گویه در بعد تجربی دینداری باید حذف شود، چون حذف آن مقدار آلفای کرونباخ را بالا برد. از آنجا که مقدار آلفای کرونباخ همه ابعاد دینداری از حد نصاب «پایا بودن» یعنی ۰/۷۰ بیشتر است می‌توان سنجه دینداری را پایا محسوب نمود. برای برآورد اعتبار سنجه دینداری در این تحقیق از اعتبار سازه^۲ مبنی بر ارتباط

1. Consequential Dimension
2. Construct Validity

جنسیت با دینداری استفاده شد. شایان ذکر است که متون جامعه‌شناسی دین و داده‌های توصیفی به دست آمده از تحقیقات متعدد در جوامع مختلف، از جمله ایران، همگی حکایت از آن دارد که از هر اندازه‌ای که برای سنجش دینداری استفاده کنیم، زنان مذهبی‌تر از مردان‌اند. (دواس، ۱۳۷۶: ۲۹۷؛ اسدی و همکاران، ۱۳۵۹: ۸۱؛ محسنی، ۱۳۷۵: ۳۷۶-۳۸۰؛ طالبان، ۱۳۷۹ و سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ به‌نقل از طالبان، ۱۳۹۲: ۵۶) اگر مقیاس‌های دینداری ساخته‌شده در این تحقیق واجد اعتبار کافی باشند، باید تفاوت معناداری بین دو گروه زنان و مردان پاسخگو از نظر دینداری مشاهده شود به‌نحوی که دینداری زنان بالاتر از مردان باشد. برای این منظور از آزمون تی برای مقایسه دو گروه زنان و مردان استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۴ منعکس شده است.

جدول ۴: آزمون اعتبار براساس مقایسه میانگین دینداری زنان با مردان (n=۴۰۰)

ابعاد دینداری	جنس	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار تی	سطح معنی‌داری
بعد اعتقادی	مرد	۲۰۸	۲۳/۲۵	۱/۷۱۳	-۲/۵۳	۰/۰۱
	زن	۱۹۲	۲۳/۶۴	۱/۲۲۵		
بعد مناسکی	مرد	۲۰۸	۳۳/۷۱	۹/۹۴۵	-۲/۶۲	۰/۰۰۹
	زن	۱۹۲	۳۶/۱۲	۸/۳۰۶		
بعد تجربی	مرد	۲۰۸	۳۲/۲۹	۴/۷۳۳	-۲/۷۶	۰/۰۰۶
	زن	۱۹۲	۳۳/۵۲	۴/۱۴۵		
بعد پیامدی	مرد	۲۰۸	۴۲/۸۰	۶/۶۸۵	-۲/۴۳	۰/۰۱۵
	زن	۱۹۲	۴۴/۲۴	۵/۰۱۹		

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نتایج کاربرد مقیاس‌های چهارگانه دینداری در این تحقیق با متون جامعه‌شناسی و یافته‌های هم‌هنگ در کلیه تحقیقات اجتماعی همخوانی داشته است، چرا که در کلیه ابعاد، زنان دیندارتر از مردان بوده‌اند. این یافته‌ها را می‌توان شاهدی برای اعتبار سازه مقیاس‌های دینداری این پژوهش محسوب نمود.

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

جدول زیر سیمای کلی پاسخگویان را در پژوهش حاضر به تفکیک شهر و روستا براساس متغیرهای زمینه‌ای مهمی که در غالب پژوهش‌های علوم اجتماعی کاربرد دارند، نشان می‌دهد.

جدول ۵: سیمای پاسخگویان در دو نوع سکونت شهری و روستایی (n=۴۰۰)

جمع	شهر	روستا	متغیرهای زمینه‌های	
۲۰۸	۹۹	۱۰۹	مرد	جنس
۱۹۲	۱۰۱	۹۱	زن	
۱۲۲	۶۱	۶۱	۱۸-۲۵	گروه‌های سنی
۸۳	۴۰	۴۳	۲۶-۳۳	
۸۷	۴۵	۴۲	۳۴-۴۱	
۴۴	۲۲	۲۲	۴۲-۴۹	
۶۴	۳۲	۳۲	۵۰ به بالا	
۱۲۹	۶۱	۶۸	مجرد	وضعیت تأهل
۲۷۱	۱۳۹	۱۳۲	متأهل	
۱۴۲	۷۲	۷۰	سرپرست	نسبت یا سرپرست خانوار
۱۱۴	۵۷	۵۷	همسر	
۱۳۲	۶۴	۶۸	فرزند	
۵	۱	۴	پدر	
۷	۶	۱	مادر	
۴۱	۱۴	۲۷	بیسواد	تحصیلات
۳۵	۱۴	۲۱	خواندن و نوشتن	
۴۲	۱۴	۲۸	ابتدایی	
۶۵	۲۱	۴۴	راهنمایی	
۱۰۷	۵۵	۵۲	دیپلم	
۲۸	۲۱	۷	فوق دیپلم	
۶۹	۵۱	۱۸	لیسانس	
۱۳	۱۰	۳	فوق لیسانس و بالاتر	

ب) توصیف و تحلیل داده‌ها

برای توصیف ساده‌تر وضعیت دینداری پاسخگویان بهتر دیده شد شکل تقلیل یافته‌ای از مقیاس‌های دینداری درست شود. لذا، کل نمرات پاسخگویان در مقیاس‌های چهارگانه دینداری به سه بخش مساوی تقسیم شد و نمرات یک‌سوم اول، دینداری ضعیف؛ یک‌سوم دوم، دینداری متوسط و یک‌سوم آخر، دینداری قوی محسوب گردید. نتایج به‌دست آمده در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۶: توزیع درصدی ابعاد دینداری پاسخگویان در شهر و روستا

	روستا (n=۲۰۰)			شهر (n=۲۰۰)		
	ضعیف (%)	متوسط (%)	قوی (%)	ضعیف (%)	متوسط (%)	قوی (%)
بعد اعتقادی	۰	۲	۹۸	۰/۵	۲	۹۷/۵
بعد مناسکی	۳۰/۵	۴۴	۲۵/۵	۱۴/۵	۴۸/۵	۳۷
بعد تجربی	۱/۵	۱۹/۵	۷۹	۲	۱۶	۸۲
بعد پیامدی	۰/۵	۲۵	۷۴/۵	۰	۲۸	۷۲

۹۰

داده‌های مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان دینداری پاسخگویان شهری و روستایی در بعد اعتقادی بسیار مشابه هم می‌باشد. در بعد مناسکی، نتایج حاکی از آن است که ۳۷٪ پاسخگویان شهری و ۲۵/۵٪ پاسخگویان روستایی پایبندی قوی به اعمال و مناسک دینی داشته‌اند. مهم‌تر اینکه برخلاف نتایج به‌دست آمده از پاسخگویان شهری، در میان پاسخگویان روستایی نسبت گروهی که از حیث پایبندی به اعمال و مناسک دینی ضعیف بوده‌اند بیشتر از گروه قوی بوده است (۳۰/۵٪ در برابر ۲۵/۵٪). مضافاً بر اینکه، نسبت گروهی که از حیث پایبندی به اعمال و مناسک دینی ضعیف بوده‌اند در روستا بیش از دو برابر پاسخگویان شهری بوده (۳۰/۵٪ در برابر ۱۴/۵٪) که کاملاً قابل تأمل می‌باشد. در بعد تجربه دینی نیز الگوی نتایج حاکی از تشابه نسبی در دو نوع سکونت‌گاه شهری و روستایی است؛ به‌طوری که در روستا ۷۹٪ و در شهر ۸۲٪ دارای تجربه دینی قوی بوده‌اند (تفاوت ۳ درصدی). این تفاوت در گروه ضعیف بسیار کمتر شده و به ۰/۵٪ رسیده است (۲٪ در برابر ۱/۵٪). همین‌الگو، در نتایج مربوط به بعد پیامدی دینداری مشاهده می‌شود تا جایی که تفاوت نسبت گروه قوی در شهر و روستا معادل با ۲/۵٪ (۷۲٪ در برابر ۷۴/۵٪) و تفاوت نسبت گروه ضعیف در این بعد دینداری در شهر و روستا فقط ۰/۵٪ بوده است (۰٪ در برابر ۰/۵٪).

مقیاس‌های دینداری

جهت مقایسه ابعاد دینداری با هم و همچنین مقایسه‌پذیر کردن نمرات مقیاس‌ها با توجه به نوع سکونت شهری و روستایی تصمیم گرفته شد آنها را براساس فرمولی^۱ به گونه‌ای جرح و تعدیل کنیم که دامنه نمرات هر مقیاس را از صفر (کمترین میزان) تا ۲۰ (بالاترین میزان) در نوسان باشد. جدول ۷ این آماره‌های توصیفی را ارائه داده است.

جدول ۷: آماره‌های توصیفی ابعاد دینداری به تفکیک شهر و روستا

شهر	روستا		میانگین نظری	تعداد گویه‌ها	ابعاد دینداری
	انحراف معیار	میانگین مشاهده شده			
۲/۵	۱۹	۲/۵	۱۹	۱۰	اعتقادی
۴/۲	۱۲	۴/۳	۱۰	۱۰	مناسکی
۳/۴	۱۴/۹	۳/۳	۱۵	۱۰	تجربی
۳/۶	۱۲/۷	۳/۸	۱۲/۸	۱۰	پیامدی
۳/۵	۱۲/۸	۳/۴	۱۲	۱۰	دینداری کل

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که در مقایسه میان ابعاد چهارگانه دینداری کمترین التزام دینی چه در پاسخگویان شهری و چه روستایی مربوط به بعد مناسکی و سپس بعد پیامدی است. در مقابل، بالاترین میزان التزام دینی پاسخگویان شهری و روستایی متعلق به بعد اعتقادی بوده است (میانگین و انحراف معیار مشابه ۱۹ و ۲/۵). هنگامی که دینداری کل پاسخگویان مدنظر قرار گیرد، یافته‌ها حاکی از آن است که میانگین مشاهده اگرچه هم در روستا و هم در شهر بیشتر از میانگین نظری است (۱۲ و ۱۲/۸)؛ ولی این مقدار کمتر از یک انحراف معیار (۳/۴ و ۳/۵) بالاتر از میانگین است و نمی‌تواند دلالت بر دینداری قوی پاسخگویان به‌طور کلی داشته باشد.

آزمون فرضیه‌ها

برای واریانس تجزیه فرضیات تحقیق مبنی بر میانگین بیشتر و واریانس کمتر دینداری پاسخگویان روستانشین نسبت به پاسخگویان ساکن شهر از آزمون تی (t-test) استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

۱. برای آشنایی با این فرمول مراجعه کنید به دواس، ۱۳۷۶: ۲۶۷

جدول ۸: نتایج آزمون تی برای آزمون آماری اثر سکونت‌گاه بر دینداری پاسخگویان

مقیاس‌ها	سکونت‌گاه	تعداد نمونه	میانگین	واریانس	مقدار تی	معناداری
بعد اعتقادی دینداری	روستا	۲۰۰	۱۹	۶/۴	-۰/۴۹	۰/۶۲
	شهر	۲۰۰	۱۹	۶/۳		
بعد مناسکی دینداری	روستا	۲۰۰	۱۰	۱۹/۲	-۴/۲	۰/۰۰۰
	شهر	۲۰۰	۱۲	۱۸/۱		
بعد تجربی دینداری	روستا	۲۰۰	۱۵	۱۰/۲	۰/۹۱	۰/۳۶
	شهر	۲۰۰	۱۴/۹	۱۲/۰		
بعد پیامدی دینداری	روستا	۲۰۰	۱۲/۸	۱۵/۰	۰/۲۸	۰/۷۸
	شهر	۲۰۰	۱۲/۷	۱۳/۰		
دینداری کل	روستا	۲۰۰	۱۲	۱۱/۵	-۲/۰	۰/۰۴
	شهر	۲۰۰	۱۲/۸	۱۲/۷		

نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که از میان ابعاد چهارگانه دینداری، تنها در بعد مناسکی بوده که تفاوت میانگین دینداری پاسخگویان روستانشین با شهرنشین از لحاظ آماری معنادار است ($t = -2/4$ و $sig = 0/000$). دینداری کل پاسخگویان نیز از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($t = -2/0$ و $sig = 0/000$). با وجود این، هم در بعد مناسکی دینداری و هم در دینداری کل، میانگین مشاهده شده پاسخگویان شهرنشین بیش از روستانشین است که کاملاً برخلاف پیش‌بینی فرضیه اول تحقیق می‌باشد. همه این نتایج، دلالت بر ابطال فرضیه اول تحقیق دارند.

برای آزمون فرضیه دوم وقتی «دینداری کل» در نظر گرفته شود، یافته‌ها حکایت از آن دارند که واریانس دینداری پاسخگویان روستانشین به‌طرز معناداری ($p = 0/04$) کمتر از واریانس دینداری پاسخگویان شهرنشین می‌باشد (۱۱/۵ در مقابل ۱۲/۷). این نتیجه، همسو با پیش‌بینی فرضیه دوم تحقیق می‌باشد و برای آن فرضیه دلالت تأییدی دارد. مع‌هذا، وقتی ابعاد چهارگانه دینداری (نه دینداری کل) مطرح نظر قرار گیرد، الگوی یافته‌های مربوط به واریانس همه ابعاد دینداری (بجز بعد تجربی) در شهر و روستا کاملاً مغایر با پیش‌بینی فرضیه دوم تحقیق به‌دست آمده که دلالت بر ابطال فرضیه مزبور داشته است. در بعد تجربی دینداری نیز اگرچه واریانس دینداری روستانشینان کمتر از شهرنشینان به‌دست آمده (۱۰/۲ در مقابل ۱۲)؛ ولی، این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نشده است ($p = 0/36$) و نمی‌توان فرضیه متناظر با آن را تأیید شده در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دینداری افراد، چه در شهر و چه در روستا، در ابعاد اعتقادی و تجربی جمعیت تحقیق بسیارقوی و بسیار نزدیک به هم است. همچنین، در بعد پیامدی نیز میزان دینداری شهر و روستا مشابه هم، اما پایین‌تر از میزان ابعاد اعتقادی و تجربی دینداری است. تفاوت قابل توجه میان شهر و روستا در بعد اعمال و مناسک دینی مشاهده شده است که به‌نفع التزام عملی شهرنشینان نسبت روستانشینان بوده است. یافته اصلی تحقیق مبنی بر مقایسه دینداری اعضای دو ساختار اجتماعی شهری و روستایی حکایت از رد فرضیه دینداری بالاتر روستانشینان نسبت به شهرنشینان داشت. یافته‌های این پژوهش برخلاف نتایج تحقیقی است که در سال ۱۳۵۳ اسدی و همکارانش در ارتباط با برخی رفتارهای دینی در سطح ملی انجام داده بودند. نتیجه تحقیق اسدی و همکارانش (۱۳۵۳) گویای آن بود که میزان نمازخواندن و روزه گرفتن و رفتن به مسجد در روستا نسبت به شهر عمومیت بیشتری داشته است در صورتی که این تحقیق نشان می‌دهد افراد روستایی نسبت به شهری التزام کمتری به این نوع اعمال و مناسک دینی دارند. اما در مقایسه با نتایج داده‌های پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان (طالبان، ۱۳۹۳) مشاهده می‌شود که در بعد اعتقادات دینی نتایج یکسانی به‌دست آمده است (عدم تفاوت معنادار بین اعتقادات دینی روستانشینان با شهرنشینان). اما در بعد تجربی و عبادات جمعی، داده‌های پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان نشان داد که میزان دینداری شهرنشینان در بعد عاطفی و عبادات جمعی، بیشتر از روستانشینان است، در صورتی که در تحقیق حاضر تفاوت معنی‌داری در بعد تجربی دینداری روستانشینان با شهرنشینان مشاهده نشده است. اما نتیجه کلی پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان مبنی بر دینداری کل بالاتر شهرنشینان نسبت به روستانشینان کاملاً همسو با نتایج پژوهش حاضر بوده است.

در هر حال، این نتایج پژوهشی مغایر با انتظار تحلیل‌های جامعه‌شناختی است که پیش‌بینی می‌کنند روستانشینان از دینداری بالاتری نسبت به شهرنشینان برخوردارند. یافته‌های این پژوهش هیچ‌گونه شواهد مؤیدی فراهم نمود. در ابعاد اعتقادی، تجربی و پیامدی دینداری تفاوتی واقعی میان شهر و روستا مشاهده نشد و در بعد اعمال و مناسک دینی نیز التزام شهرنشینان بیشتر از روستانشینان مشاهده گردید. در تحلیل پسینی این نتایج شاید بتوان گفت که با توجه به پیشرفت‌های شگرف علمی و فنی که موجب

گسترده‌گی و تسریع ارتباطات و مبادلات دستاوردهای مادی و ذهنی شده است، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که روستاها به‌عنوان ساختاری کاملاً متمایز از شهرها مشخصه‌ها و ویژگی‌های گذشته خود را به‌شکل ایده‌آل حفظ کرده باشند. واقعیت آن است که به‌دلیل رسوخ فرایندها و تکنولوژی‌های مدرن به درون روستاها، فرهنگ روستایی کاملاً تحت تأثیر فرهنگ شهری قرار گرفته و تا حدود زیادی در آن ادغام شده است. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که بسیاری از شهرنشینان امروزی، مهاجرین روستایی بوده که در طول زمان و به‌دلیل فرایندهای نوسازی به شهرها آمده باشند. در حقیقت، شاید سخنی به‌گزارفته اگر گفته شود که تمایز شهر و روستا به‌مثابه دو نوع ساختار متمایز اجتماعی، فقط «تیپ ایده‌آل جامعه‌شناختی» محسوب شده که هیچ‌گونه مابه‌ازای عینی در عالم واقع نداشته و صرفاً کارکرد تحلیلی دارند. از سویی دیگر، در ایران کنونی شهرها هستند که کانون فعالیت‌های رسمی مذهبی می‌باشند. در واقع، سازمان مذهبی در شهرها بسیار گسترده‌تر و فعال‌تر از روستاها می‌باشد (تراکم مساجد، حسینیه‌ها، کانون‌های فرهنگی - دینی و... بسیار بیشتر از روستاها است). همچنین، برنامه‌ها و فعالیت‌های جامعه‌پذیری مذهبی که نهادهای رسمی در سطح کلان عملی می‌سازند عمدتاً مختص شهرها است و در صورت تعمیم به روستاها از شهر (یا مرکز) است که به روستا (یا حاشیه) می‌رود. برای مثال، برنامه‌های مختلف مذهبی در مناسبت‌های خاص دینی نظیر اعیاد مذهبی و مراسم‌های عزاداری شخصیت‌های دینی در شهرها با صرف هزینه‌ها و اختصاص وقت بیشتر و با کیفیت بالاتر نسبت به روستاها انجام می‌شود. شاید اینها توضیحی باشند برای این یافته تحقیق که میزان التزام عملی شهرنشینان به مراسم و مناسک دینی بیشتر از روستانشینان بوده است. البته، بدیهی است که این نتیجه‌گیری بر پایه نتایج پژوهش حاضر صورت پذیرفته و به همین سبب، ناتمام و موقتی است. به‌دست آوردن همین نتایج در تحقیقات دیگر با نمونه‌های متنوع و طرح‌های تحقیقاتی جامع‌تر و دقیق‌تر می‌تواند بر اعتماد به نتایج این تحقیق بیفزاید. ولی در هر حال، یافته‌ها در علم همواره برای تحقیق بیشتر، ناتمام و موقتی می‌مانند.

منابع

۱. ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. گناباد: نشر مرنديز. چاپ دوم.
۲. اسدی، علی و همکاران. (۱۳۵۳). گرایش‌های فکری و نگرش‌های اجتماعی در ایران. گزارشی از یک نظرخواهی ملی. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۳. اسدی، علی و همکاران. (۱۳۵۹). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در تهران. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۴. افروغ، عماد. (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن». تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۵. الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). دین‌پژوهی. جلد اول. بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. دفتر آمار و اطلاعات استانداری اردبیل. www.amar.org.ir
۷. دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
۸. رسولی، ربانی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری. ویراستار علمی فریدون وحید. تهران: انتشارات سمت.
۹. زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۰). مسائل اجتماعی محوری در جامعه روستایی (ارزیابی وضعیت جامعه‌شناسی روستایی رسمی و دانشگاهی در کشور). نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۵.
۱۰. سایت ریاست جمهوری. (۱۳۹۰). معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. مرکز آمار ایران.
۱۱. سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته. طرح نو.
۱۲. شجاعی‌زند، علی‌رضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران. سال ششم. شماره ۱.
۱۳. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۹۴). دین در زمانه و زمینه مدرن. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. صاحبی، محمدجواد. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و دین. مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین‌پژوهان. نشر احیاگران. چاپ اول.
۱۵. طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۹). بررسی تجربی دینداری نوجوانان کشور. معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
۱۶. طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). دینداری و بزهکاری در بین نوجوانان دانش‌آموز. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۷. طالبان، محمدرضا. (۱۳۹۲). دین‌پژوهی تجربی (پژوهش‌های در شناخت حیات اجتماعی دین در ایران). چاپ اول. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۱۸. طالبان، محمدرضا. (۱۳۹۳). *پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان*. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. (ایسپا). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۹. غنابستانی، علی اکبر و سحر احمدزاده. (۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های بین‌نسلی به لحاظ وضعیت دینداری در سکونت‌گاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان کارده، شهرستان مشهد). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال ششم. شماره ۱.
۲۰. غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*. تهران: انتشارات آگرا و لویه.
۲۱. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
۲۲. فورشت، اینگر و پل رپستاد. (۱۳۹۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر. مجیدجعفریان. ویراستار علمی حسن محدثی گیلوانی. تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی. چاپ اول.
۲۳. کسلر، دیرک. (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک*، از آگوست کنت تا آلفرد شوپس. کرامت‌اله راسخ. انتشارات جامعه‌شناسان و با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم.
۲۴. کندال، دیانا. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی معاصر*. فریده همتی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ اول.
۲۵. کوزر، لوئیس. (۱۳۷۷). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. محسن ثلاثی. چاپ هفتم. تهران: علمی.
۲۶. کوئن، بروس. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. تألیف و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
۲۷. کینکلک، گراهام سی. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناختی: تکوین دیدگاه‌ها و پارادایم‌های اصلی آن*. غلامرضا جمشیدی‌ها و سیدرحیم تیموری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۸. مرکز خانه بهداشت روستای حور. (۱۳۹۴). *داده‌های جمعیتی*.
۲۹. کیویستو، پیتر. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
۳۰. محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*. معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. میرسنده‌سی، محمد. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دینداری*. تهران: نشر جامعه‌شناسان. چاپ دوم.